

انتقاد فرمانده فراجا از دلسوزی برای موتورسواران بی انضباط



سردار احمد رضا ادران با انتقاد از دلسوزی برخی افراد برای موتورسواران بی انضباط آن را اشتباه و حمایت از مرگ مردم دانست. به گزارش همشهری، فرمانده کل فراجا در نخستین نشست تخصصی پلیس راهور فراجا تأکید کرد: ابراز همدردی برای متخلفین به خصوص راکبان موتورسیکلت کاملاً اشتباه است و باید با آنها کاملاً سختگیرانه رفتار و به نسبت ارتکاب تخلف با آنها برخورد کرد. وی با بیان اینکه حدود ۱۰ درصد رانندگان وسایل نقلیه متخلف هستند افزود: نباید اجازه دهیم این ۱۰ درصد اراده خود را بر بقیه مردم حاکم کنند. سردار ادران یکی از دلایل تصادفات را غیراستاندارد بودن خودروها دانست و گفت: واقعاً باید ببیزیریم برخی از این خودروهای ما را به مرگ هستند، نمونه آن اتوبوسی است که در ایام نوروز در کرمان واژگون و ۱۴ نفر در آن کشته شدند. وی تأکید کرد: متأسفانه گاهی اوقات برای متخلفان دلسوزی‌های ناپایا صورت می‌گیرد؛ برای مثال زمانی که یک موتورسوار با سرعت غیرمجاز در حال تردد است و پس از برخورد قانونی، برخی افراد سعی می‌کنند از او حمایت کنند. این رفتارها به‌معنای تضعیف نظم و قانون در شهر است. وی با بیان اینکه اگر راکب موتورسیکلت در مسیر مجاز و با سرعت مناسب حرکت کند، هیچ برخوردی با او صورت نخواهد گرفت، افزود: مردم ما امروز حتی در پیاده‌روها از تردد موتورسواران احساس ناامنی می‌کنند. این موضوع نگران‌کننده است و باید با آن به‌طور جدی مقابله کرد.

داخلی

قتل در میدان میوه و تره‌بار

مردی که در میدان تره‌بار غرقه داشت، به‌خاطر اختلاف مالی دست به جنایت زد. به گزارش همشهری، صبح دیروز به قاضی محسن اختیاری خبر رسید که مردی جوان در جریان یک درگیری با ضربات چاقو به قتل رسید. محل درگیری، یکی از میادین تره‌بار بود. تحقیق از شاهدان نشان می‌داد که قاتل در میدان میوه و تره‌بار، غرقه‌دار است. او دستگیر شد و در بازجویی‌ها به قتل اعتراف کرد. مرد میانسال گفت: ۲ ماه از مردی به نام احسان مبلغ ۲۵۰ میلیون تومان به‌عنوان پول نزول گرفتم. ۱۵۰ میلیون تومان را برگرداندم، اما احسان اصرار داشت که مابقی پول را زودتر پس بدهم. بر سر این موضوع با هم اختلاف داشتیم تا اینکه روز حادثه احسان به همراه پسر عموهایش به میدان تره‌بار آمدند تا از من چک بگیرند. من اما فراموش کرده بودم دستم‌چک خود را ببرم و همین موضوع موجب شد تا درگیری میان ما شکل بگیرد. احسان و پسر عموهایش با قمه و چوب به سمت من و پسرم حمله کردند و من هم برای ترساندن آنها با چاقو ضرباتی به پسرعموی احسان زدم اما قصد قتل نداشتم و خودم هم در جریان این درگیری زخمی شدم. این متهم با قرار قانونی بازداشت شده و تحقیقات از او ادامه دارد.

دادسرا

بازداشت یک مرد در پرونده سقوط مرمروز زن جوان

به‌دنبال سقوط اسرارآمیز زنی از طبقه چهارم ساختمانی در پایتخت، مردی به‌عنوان مظنون دستگیر شده است. به گزارش همشهری، این حادثه بیست و پنجم اسفندماه در یکی از محله‌های پایتخت اتفاق افتاد. زنی جوان از طبقه چهارم ساختمانی به پایین سقوط کرد و جانش را از دست داد. این زن جوان آرایشگر بود و برای کار از شهرستان به تهران آمده و به تازگی با مردی در ارتباط بود. به دستور بازپرس، این مرد چند روز پیش دستگیر شد اما در بازجویی‌ها متکر نقش داشتن در سقوط مرگبار زن جوان بود. وی گفت: با زن جوان در پارک آشنا شدم و پس از آن به خانه او رفت و آمد داشتم. روز حادثه حالش خوب نبود و به اتاق رفت. بعد از چند دقیقه صدای شنیدم و متوجه شدم که او به کنار پنجره رفته و خودش را به پایین پرتاب کرده است. با اظهارات متهم تحقیقات در این پرونده برای روشن‌شدن حقایق ادامه دارد.



کشف هروئین از معده ۴ قاچاقچی
ماموران پلیس ۲ کیلو و ۶۳۰ گرم هروئین را که در معده ۴ قاچاقچی جاسازی شده بود کشف کردند. این قاچاقچیان سوار بر یک خودروی پژو پارس در حال عبور از شهرستان استهبان در استان فارس بودند که مأموران به آنها مشکوک شدند و در ادامه چندین بسته هروئین از معده آنها کشف شد.



جوان شهیده‌باز باند سرقت از خانه‌ها راه‌انداخته‌بود

دیوید کاپر فیلد؛ سرکرده باند دزدان پایتخت



یکی از افراد آشنا صورت گرفته که کلید خانه را در اختیار داشته است.

در دام مالباخته

تحقیقات برای شناسایی و دستگیری سارقان سریالی منازل زیر نظر بازپرس دادسرای ویژه سرقت ادامه داشت تا اینکه چند شب قبل، یکی از مالباخته‌ها سر بزرگه، مج سارقان را گرفت و با هوشیاری وی و حضور بموقع پلیس، اعضای این باند تحت تعقیب که ۴ نفر هستند، دستگیر شدند. ماجرا از این قرار بود که آن شب حوالی ساعت ۲۲ زنی جوان از مهمانی به خانه‌اش در شمال غرب تهران برگشت، اما وقتی پشت در آپارتمانش رسید و به جست‌وجو در کفش پرداخت تا کلید را پیدا کند، صدایی از داخل خانه‌اش شنید. وقتی مطمئن شد، افراد غریبه داخل خانه‌اش هستند، از ترس جانش دیگر کلید را در قفل نچرخاند و فوراً با پلیس تماس گرفت. دقایقی بعد با حضور مأموران پلیس در

پرونده‌ات نشان می‌دهد که سابقه‌داری؟

در ست است. ۳۰۲ مرتبه به جرم سرقت منزل دستگیر شدم. اما این بار می‌خواهم توبه کنم و دور خلاف را خط بکشم. از زندگی در زندان خسته شدم و به‌نظم اصلاً رخت ندارم که آدم به‌خاطر پول سرقت کند و بعد سال‌ها پشت میله‌های زندان بماند و حسرت قدم زدن در خیابان‌ها را داشته باشد. من اگر وارد دنیای سارقان نمی‌شدم، حالا برای خودم فردی مشهور و چهره مردمی بودم؛ چون می‌خواستم در یکی از برنامه‌های تلویزیونی به‌خاطر استعدادی که دارم شرکت کنم، اما چون سابقه‌دار بودم ترسیدم. چون من شهیده‌باز حرف‌های هستم.

در ست است که تو را دیوید کاپر فیلد ایرانی صدا می‌زنند؟

باور نمی‌کنی؟ همه دوستان، آشنایان و حتی تبهکاران ... همه به من می‌گویند دیوید. می‌دانم! این‌ها من به جای تبهکاری، تر دسستی را ادامه می‌دام، قطعاً! آن برای خودم یک آدم حسابی بودم؛ نه سارقی سابقه‌دار. باید بگویم خیلی اشتباه کردم. من زمانی در مجالس مختلف شرکت می‌کردم و یک شهیده‌باز حرفه‌ای بودم. می‌خواستم بروم خارج و به دیوید بگویم پرایش جانشین پیدا شده است. هنر‌ها و استعداد‌هایم را به مردم نشان می‌دام. اما حالا اینجا هستم و دستبند اتهام به دستانم با سوابق گفیری. اما پس از آزادی توبه می‌کنم زندگی جدیدی برای خودم می‌سازم. حیف است این همه استعداد، هنر برد.

سسر کرده باند سارقان، سابقه‌دار است و می‌گوید همه او را

دیوید کاپر فیلد ایرانی می‌دانند. حالا چرا چنین لقبی به او داده‌اند؟ چون او خودش را تر دسست حرفه‌ای می‌داند؛ مردی که شهیده‌باز مجالس است.

چند وقت است که باند سرقت تشکیل داده‌ای؟

حدود ۶ ماه می‌شود که باند سرقت تشکیل داده‌ام.

چطور به خانه‌ها دستبرد می‌زدید؟

با شاه‌کلید.

شاه‌کلید؟ توضیح بده شاه‌کلید از کجا آوردی؟

خودم ساختم. به من می‌گفتند استاد کلیدساز. راستش را بخواهید کلکسیون از کلیدهای مختلف هم در خانه‌ام دارم. کلاه‌ست کارم کلیدسازی است و از هر شکلی از کلید که خوشم می‌آید، یکی برای خودم می‌سازم و در کمند بزرگی نگه می‌دارم. شاه‌کلیدها را هم خودم ساخت‌ام؛ کلیدی که با آن بیشتر قفل‌های در را باز می‌کنم.

چه شد که استاد کلیدساز، تبدیل به سارقی حرفه‌ای شد؟

چند سال قبل، یکی از مشتری‌انم، سارقی سابقه‌دار بود. یک‌روز به مغازم آمد و گفت: استاد چرا سرقت نمی‌کنی؟ ابتدا شوکه شدم اما وقتی از در آمد خوب سرقت گفت، وسوسه به جانم افتاد که با شاه‌کلید، وارد خانه‌ها شوم و طلاهای افراد پولدار را که از سر شکم سیری برای خود می‌اندوزند، بر دارم. به این ترتیب وارد دنیای سارقان شدم و رفته رفته باند خودم را راه‌اندازی کردم.

مرگ قاتل ۲۰ زن در دادگاه



قاتل ۲۰ زن در مکزیک، ۳ سال بعد از آخرین جنایتش در روز جلسه دادگاه دچار حمله قلبی شو و درگذشت. به گزارش می‌رر، یکشنبه گذشته، میگوئل کورتس میراندا، ملقب به «جفری دامر مکزیک» که متهم به قتل وحشیانه ۲۰ زن و نگهداری اعضای بدن آنها در خانه‌اش بود، به طرز مرموزی در روز جلسه دادگاه درگذشت. میگوئل مدتی قبل به اتهام تجاوز و تهدید به قتل دستگیر شده بود. روز حادثه وارد خانه‌ای شد و دختر ۱۷ ساله را که در خانه تنها بود، مورد آزار و اذیت قرار داد اما در همان لحظه مادر دختر از محل کارش به خانه برگشت و با میگوئل روبه‌رو شد. مرد جنایتکار با چاقو به زن جوان حمله کرد اما فریادهای زن باعث شد تا همسایه‌ها بموقع وارد عمل نشوند و متهم را دستگیر کنند. پس از دستگیری این متجاوز شرور، پلیس به کشف وحشتناکی دست یافت. در بازرسی از خانه او حجمه و بقایای استخوان انسان، ۲۰ کارت شناسایی، چندین اره و مواد شیمیایی کشف شد. در ادامه پلیس توانست، قربانی زن ۱ تا ۲۱ ساله را شناسایی کند. بقیه کارتها متعلق به زنانی بود که مفقود شدنشان گزارش شده اما هرگز پیدا نشده بودند. همه این زنان در ۱۰ سال گذشته ناپدید شده بودند و پلیس معتقد است که همه آنها توسط میگوئل به قتل رسیده‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که میگوئل آخرین جنایتش را ۳ سال پیش مرتکب شد و ۲۰ زن را به قتل رسانده است. این مرد در زندان بود اما یکشنبه در روز جلسه دادگاه دچار ایست قلبی مشکوک شد و به کام مرگ رفت.

پایان پرونده ۲۵ ساله

تحقیقات برای دستگیری قاتلی که با انگیزه سرقت، زنی ۷۰ ساله را به قتل رسانده، بعد از گذشت ۲۵ سال بی‌نتیجه ماند و اولیای دم در خواست دیه از بیت‌المال کردند. به گزارش همشهری، سوم مهر سال ۱۳۷۹ زنی ۷۰ ساله در خانه‌اش در یکی از محله‌های تهران به قتل رسید. او تنها زندگی می‌کرد و بررسی‌ها نشان می‌داد که با ضربه گاز پیکنیک به سسرش، جان باخته و تمام طلاها و جواهراتش به سرقت رفته است. به‌هم‌ریختگی محل جرم، حکایت از این داشت که قاتل با انگیزه سرقت وارد خانه مقتول شده است. در این شرایط جست‌وجو برای شناسایی قاتل فراری آغاز شد اما مأموران هیچ سرنخی از سارق جنایتکار پیدا نکردند. هرچند تعدادی مظنون دستگیر شدند اما مدرکی علیه آنها وجود نداشت و مظنونان یکی پس از دیگری آزاد شدند. حالا با گذشت ۲۵ سال از زمان جنایت، خانواده این زن صبح دیروز راهی دادسرای جنایی تهران شدند و در خواست دیه از بیت‌المال کردند. به این ترتیب پرونده به دستور قاضی محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران برای انجام مراحل قانونی به دادگاه فرستاده شد تا پس از تأیید توسط مقام قضایی، دیه اولیای دم مقتول از بیت‌المال پرداخت شود.

اهدای عضو

دختر ۲۸ ساله که برای تعطیلات نوروز راهی جزیره کیش شده بود، در حادثه‌ای هولناک به کام مرگ رفت و خانواده‌اش اعضای بدن او را به بیماران نیازمند اهدا کردند. به گزارش همشهری، ساعت ۴ بعداز ظهر ۱۱ فروردین، در نوار ساحلی جزیره کیش، تصادف مرگباری رخ داد. آن روز دختر ۲۸ ساله‌ای به نام ریحانه مهدا را که برای تفریح به این جزیره رفته بود، به همراه دوستش موتوربرقی کرایه کرده و سرگرم موتورسواری بودند که ناگهان کنترل موتور ریحانه از دست او خارج و از جاده منحرف شد. ریحانه نتوانست

تصمیم سخت

این پدر داغ‌دیده برای اینکه همسر خود را آماده شنیدن این سخنان درنگ کند، لحظات بسیار وحشتناکی را سیری می‌کرد. او می‌گوید: با همسر صحبت کردم و به او یک ساعت زمان دادم تا فکر کند. هر دوی ما در حیطا بیمارستان فریاد می‌زدیم و از خدا می‌خواستیم کمکمان کند و به ما صبر و آرامش بدهد. مهدا آ را می‌افزاید: بالاخره هر دو راضی شدیم تا این تصمیم سخت را برای نجات چند انسان دیگر بگیریم. با همه غم و اندوهی که داشتیم بر که‌های اهدای عضو را امضا کردیم و اجازه دادیم که اعضای بدن دخترمان برای نجات جان بیماران نیازمند اهدا شود. این پدر افعار می‌گوید: کلبه‌ها و کید او برای نجات جان چند نفر به شیراز منتقل شد و پس از آن پیکر دخترم به تهران منتقل و به خاک سپرده شد.

گفت و گو

این پدر داغ‌دیده برای اینکه همسر خود را آماده شنیدن این سخنان درنگ کند، لحظات بسیار وحشتناکی را سیری می‌کرد. او می‌گوید: با همسر صحبت کردم و به او یک ساعت زمان دادم تا فکر کند. هر دوی ما در حیطا بیمارستان فریاد می‌زدیم و از خدا می‌خواستیم کمکمان کند و به ما صبر و آرامش بدهد. مهدا آ را می‌افزاید: بالاخره هر دو راضی شدیم تا این تصمیم سخت را برای نجات چند انسان دیگر بگیریم. با همه غم و اندوهی که داشتیم بر که‌های اهدای عضو را امضا کردیم و اجازه دادیم که اعضای بدن دخترمان برای نجات جان بیماران نیازمند اهدا شود. این پدر افعار می‌گوید: کلبه‌ها و کید او برای نجات جان چند نفر به شیراز منتقل شد و پس از آن پیکر دخترم به تهران منتقل و به خاک سپرده شد.

درگیری مرگبار ۲ همخانه در استانبول

دعای ۲ جوان ایرانی در شهر استانبول ترکیه، پایان دردناکی داشت و به قتل یکی از آنها و قرار دیگری منجر شد. به گزارش همشهری، صبح دیروز مردی به نام ادراسی جنایی تهران رفت و مدعی شد که برادرش در ترکیه به قتل رسیده است. او به قاضی محسن اختیاری بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران گفت: برادرم مدتی قبل برای کار و زندگی به ترکیه رفت. او در شهر استانبول کار پیدا کرده و در آنجا ساکن شده بود. برای اینکه هزینه کرایه خانه‌اش هم پایین بیاید با جوانی دیگر که او هم ایرانی بود، همخانه شده بودند. وی ادامه داد: در این مدت آنها بر سر انجام کارهای خانه با یکدیگر اختلاف داشتند تا اینکه آخرین دعوایشان،

شانزدهم فروردین‌ماه، رقم خورد. آن روز همخانه برادرم، با چاقو ضرباتی به برادرم زده و بعد متواری شد. برادرم نیز به بیمارستان دیروز مردی به نام ادراسی جنایی تهران رفت و مدعی شد که برادرش در ترکیه به قتل رسیده است. او به قاضی محسن اختیاری بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران گفت: برادرم مدتی قبل برای کار و زندگی به ترکیه رفت. او در شهر استانبول کار پیدا کرده و در آنجا ساکن شده بود. برای اینکه هزینه کرایه خانه‌اش هم پایین بیاید با جوانی دیگر که او هم ایرانی بود، همخانه شده بودند. وی ادامه داد: در این مدت آنها بر سر انجام کارهای خانه با یکدیگر اختلاف داشتند تا اینکه آخرین دعوایشان،